

## سرت‌های سریالی خانواده فوج از زنان میانسال



**اعضای باند خانوادگی سارقان فوج که از زنان میانسال جنوب شهر سرت می‌کردند، شناسایی و دستگیر شدند.**

به گزارش خبرنگار ما، اوایل آذر ماه رسیدگی به پرونده‌ای با موضوع سرت از زنان میانسال شهرداری و کهریزک به دستور قاضی شعبه سوم دادسرای عمومی و انقلاب شهرداری در دستور کار پایگاه نهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت. یکی از مالباختگان که زن میانسالی بود به کار آگاهان گفت: چند روز قبل نزدیک نماز ظهر به مسجد رفته بودم که مرد جوانی با ادعای کمک به افراد مستمند یک کیسه مشک‌ی به من داد که داخل آن چند تکه لباس کهنه بود. او از من خواست لباس‌ها را به فرد نیازمند بدهم. همین که مشغول صحبت بودیم، چشمش به انگشتر من افتاد و از آن خوشش آمد و گفت چند لحظه آن را به او بدهم تا ببیند و شبیه آن را برای مادرش بخرد. من هم از همه جای‌خبر انگشتر را به او دادم. موقع اذان که شد مرد جوان مقداری پول و انگشتر را داخل همان کیسه لباس‌ها گذاشت و تحویلم داد اما وقتی داخل مسجد رفتم متوجه شدم ته کیسه سوراخ است و انگشتر من نیست.

با توجه به اظهارات مشابه مالباختگان، کار آگاهان مطمئن شدند که تمام سرت‌ها توسط گروه مشخصی انجام می‌شود. اظهارات مالباختگان نشان داد سارقان با خودروهای سواری ال ۹۰، پژو ۴۰۵ و پراید به آنها نزدیک شدند و بعد از اینکه آنها را در یک مغزوری قرار داده‌اند، طلاهایشان را به این شیوه سرت کرده‌اند.

بدین ترتیب کار آگاهان با انجام چهره‌نگاری و بررسی بانک اطلاعات مجرمان سابقه‌دار فریب‌رز (پسدر)، علی(پسر) و همسر فریب‌رز که اعضای یک خانواده از طایفه فوج بودند، شناسایی کردند که با تشکیل یک باند از زنان مسن سرت می‌کنند. مالباختگان هم تصویر هر سه متهم را شناسایی کردند.

تحقیقات ادامه داشت تا اینکه



او مورد شناسایی قرار داد.

**سرت، گوشی‌های سرتی را در قمار و شرط بندی په دوستان خود می‌دادند، دستگیر شدند.**

به گزارش خبرنگار ما، هجدهم آبان ماه زن جوانی به پایگاه پنجم پلیس آگاهی رفت و در شکایتی به مأموران گفت:امروز ساعت ۶ صبح از خیابان ورزش‌رفت‌رمی‌شدم که سرشتیان یک موتور ای رنگ کیفم را از دستم قاپبندند. تمام مدارک شناسایی، گوشی و کارت عابر بانکم همراه رمز داخل کیف بود. وقتی به بانک رفتم متوجه شدم سارقان حسابم را خالی کردند.

با توجه به اظهارات مالباخته، کار آگاهان با مراجعه به بانک که در عبدال‌آباد بود تصاویر دوربین‌ها را بررسی کردند و موفق شدند یکی از سارقان را هنگام برداشت پول شناسایی کنند.

همزمان با آغاز تحقیقات، کار آگاهان با ردیابی گوشی تلفن همراه مالباخته پسر جوانی را شناسایی کردند که مدعی بود آن را از خیابان جمهوری خریده‌اما بعد از اینکه کار آگاهان او را بازداشت کردند اعتراض کرد و ادعای شرط بندی از پسر دیگری به نام حسن برده است. با شناسایی هویت حسن ۲۳ ساله که از مجرمان سابقه‌دار بود، شاکی هم تصویر پنجم پلیس آگاهی مراجعه کنند.

### رهایی دندانپزشک دزفولی از دست گروگان دو مرد آدم‌ریا که دندانپزشک دزفولی را گروگان می‌گرفتند، دستگیر شدند و فرد ربوده شده آزاد شد.

احمد علیپور، معاون سیاسی، اجتماعی فرماندار ویژه دزفول به ایرنا گفت: هفته قبل مأموران در جریان ربودن دندانپزشکی از سوی دو مرد قرار گرفتند. نخستین تحقیقات نشان داد گروه گانگبران برای آزادی پزشک از خانواده وی در خواست طلا کرده‌اند.

سرانجام مأموران پلیس گروگانگران را در ارتفاعات بخش الوار گرمسیری اندیمشک، دستگیر کردند و پزشک ربوده شده به سلامت به آغوش خانواده‌اش بازگشت.

**پسر جوانی که متهم است دو سال قبل با همدستی یکی از دوستانش در شهرستان ایلام مرتکب قتل شده و به جنوب کشور گریخته بود، یک روز بعد از ورود به تهران از سوی مأموران پلیس آگاهی شناسایی و بازداشت شد. متهم که هوشنگ نام دارد روز گذشته در دادگاه کیفری استان تهران بازجویی شد.**

به گزارش خبرنگار ما، اامداد هشتم فروردین سال ۹۱، مأموران پلیس آگاهی شهرستان ایلام از حادثه آتش‌سوزی در منطقه تفریحی «شش‌دار» با خبر و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد چهار پسر جوان داخل چادر مسافرتی به شدت دچار سوختگی شده‌اند. هم‌زمان با انتقال مصدومان به بیمارستان، یکی از آنها به علت شدت جراحات فوت شد و سه مصدوم دیگر دچار سوختگی‌های شدید شدند. یکی از مصدومان گفت: عصر روز گذشته همراه دوستانمان برای تفریح در این محل چادر زدیم. وقتی شب از راه رسید ما چهار نفر داخل یک چادر بودیم و سجاد، وحید و هوشنگ هم در چادر دیگری استراحت می‌کردند. سحرگاه متوجه شدم که هوشنگ به چادر ما نزدیک شد و بنزین پاشید. سجاد هم کشتی بگیریم. روز حادثه به پناهانه فریختند. ما که غافلگیر شده بودیم دچار

# حوادث

سرویس حوادث ۴۸۹۸۴۳۵

# بازداشت عامل حادثه «شش‌دار» در دروازه‌غار



سوختگی شدید.

در حالی که چند شاهد دیگر حرف‌های دوستانشان را تأیید کردند، مأموران پلیس سجاد را بازداشت کردند اما متوجه شدند که هوشنگ از محل گریخته است. سجاد گفت: از مدتی قبل من و هوشنگ با مقتول و دوستانش اختلاف پیدا کردیم تا اینکه تصمیم گرفتیم از آنها انتقام سختی بگیریم. روز حادثه به پناهانه تفریح آنها را به دره شش‌دار کشانیدیم. سحرگاه

است. کار آگاهان سپس با نیابت قضایی راهی تهران شدند و به دستور قاضی باقری، رئیس شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران راهی مخفیگاه او شدند و متهم را در جریان عملیاتی پلیسی غافلگیر و بازداشت کردند.

هوشنگ روز گذشته به اتهام معاونت در قتل، معاونت در ایجاد جراحات سوختگی به دیگر شاکیان، معاونت در تخریب اموالشان و استفاده از افشانه تفهیم اتهام شد. او گفت: من اتهام‌های خود را قبول ندارم و نمی‌دانم چرا بازداشت شده‌ام. یک روز قبل از حادثه همراه سجاد، وحید و چهار نفر از دوستانم برای تفریح به محل رفتم که در آنجا سجاد با مقتول و دوستانش اختلاف پیدا کرد اما مشاجره آنها تمام شد. سحرگاه در حالی که خواب بودم سجاد، من و وحید را که در چادر خوابیده بودیم، بیدار کرد. به اهستگی چادرمان را جمع

کردیم و در فرصت مناسب به چادر آنها نزدیک حرکت کردیم. سجاد از ما خواست تا بازگشت او منتظر بمانیم. بعد هم در تاریکی از ما دور شد تا اینکه متوجه شدیم چادر مقتول را آتش زده است. بعد هم از محل فرار کردیم.

قاضی سؤال کرد: اگر در ماجرا نقش نداشتی چرا از محل فرار کردی؟ متهم سکوت کرد.

پس از آن متهم به دستور قاضی در اختیار مأموران پلیس آگاهی قرار گرفت.

# عاملان ۳ قتل خانوادگی محاکمه شدند



مرد متهم به همسر کشی



مرد متهم به برادر کشی



مرد متهم به قتل زن‌عمو

دیگر همسرش را اذیت نکند اما او قبول نکرد و حاضر نشد عذرخواهی کند. بعد از آن بود که فریماه اعلام گذشتت کرد و گفت به خاطر فرزندش نمی‌تواند بر شکایت خودش باقی بماند. بعد هم حادثه اتفاق افتاد. وکیل اولیای‌دم ادامه داد: تحقیقات پرونده نشان داده است که حادثه ایزد از خانواده متهم ۲۳ ساله بعد از مشاجره با همسرش فریماه و آتش زده و منجر به مرگش شده‌است. تحقیقات پلیس و گزارش کارشناسان آتش‌نشانی نشان می‌دهد که حادثه عمدی بوده است. هر چند ایزد در بازجویی‌ها این موضوع را منکر شده است. بنابراین با دلالی که در پرونده به آن اشاره شده است در خواست می‌کنم تا او مجازات شود.

سپس پدر مقتول در جایگاه قرار گرفت و برای دامادش در خواست قصاص کرد. او گفت: ایزد همیشه دخترم را تنگ می‌زد و او را آزار می‌داد. بارها بسا ایزد حرف زدم تا دلیل این رفتارش را متوجه شوم اما او به حرف من گوش نمی‌داد و بدون هیچ دلیلی دخترم را تنگ می‌زد. وقتی فهمیدم حاضر به تغییر رفتارش نیست، شکایت کردم و او به خاطر جرحی که به فریماه وارد کرده بود بازداشت شد. وقتی هم که از حبس رها شد را دخترم خواستم طلاق بگیرد اما گفت می‌خواهد به زندگی‌اش ادامه دهد تا اینکه حادثه اتفاق افتاد. شاکی ادامه داد: مطمئن هستم که او خطاکار است و باید مجازات شود.

وکیل اولیای‌دم هم به دادگاه گفت: قبل از اینکه حادثه اتفاق بیفتد، فریماه به دفترم آمد و خواست برای گرفتن نفقه و حضانت فرزندش به او کمک کنم. گفت که شوهرش مدام او را تنگ می‌زند و رفتار خوبی ندارد. همه چیز در جریان بود و من رویه قانونی را دنبال می‌کردم تا اینکه یک روز ایزد به دفترم آمد و اصرار کرد تا فریماه به زندگی‌اش برگردد. آن روز فریماه هم همراه پدرش آمده بود. از ایزد خواستم تا تعهد دهد

عامل قتل

### عامل قتل پسر خاله به میز محاکمه رسید

**پرونده مردی که به اتهام قتل پسر خاله‌اش در بازداشت به سر می‌برد از سوی قضات دادگاه کیفری استان تهران بررسی می‌شود.** به گزارش خبرنگار ما، این پرونده شامگاه ۲۲ مردادماه امسال هم‌زمان با اعلام شکایت مردی درباره ناپدید شدن ناگهانی برادرش به جریان افتاد.

تحقیقات نشان داد مرد گذشته که هادی نام داشت همراه زن و کودک خردسالش در جنوب تهران زندگی می‌کرد و با کسی هم اختلاف نداشت. در حالی که تحقیقات ادامه داشت، مأموران پلیس جسد سوخته هادی را حوالی اسلامشهر کشف کردند. بنابراین پرونده به دستور قاضی جمشیدی، بازپرس ویژه قتل برای شناسایی عاملان حادثه در اختیار کار آگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت. کار آگاهان در بررسی‌های خود متوجه شدند پسر خاله هادی از مدتی قبل با همسر مقتول ارتباط تلفنی داشته است. بنابراین او را بازداشت کردند. شاهین در بازجویی‌ها به قتل پسر خاله‌اش اعتراف کرد و گفت: مدتی قبل متوجه شدم هادی همسرش را تنگ می‌زند به خاطر همین تصمیم گرفتم از او انتقام بگیرم. روز حادثه او را به خاندام دعوت کردم و هنگام قلیان کشیدن آن پست بر شا بلاگرند او را اخفه کردم و جسدش را به حوالی واوان بردم و آنجا آتش زدم.

وی در بازجویی‌های بعدی اظهاراتش را تغییر داد و مدعی شد که به خاطر اختلاف حساب، مرتکب قتل شده‌است.

کار آگاهان در بررسی‌های خود متوجه شدند همسر مقتول در این حادثه نقش داشته است. بنابراین شراره را به عنوان مظنون دیگر حادثه بازداشت کردند. شراره در بازجویی‌ها گفت: چند روز قبل از حادثه شوهرم به سفر رفت و من به پول احتیاج پیدا کردم. به خاطر همین به خانه شاهین رفتم تا از او پول بگیرم. خانه‌اش بودم که ناگهان شوهرم از راه رسید و با شاهین در گیر شد. بعد از آن بود که شاهین مرتکب قتل شد و من هم در انتقال جسد به او کمک کردم.

بعد از اعتراف شراره، شاهین هم مقابل قاضی جمشیدی گفته‌های وی را تأیید کرد. کیفرخواست شاهین به اتهام مباشرت در قتل و جنایت بر میت و شراره به اتهام معاونت در قتل بعد از تکمیل تحقیقات از سوی قاضی آرش سیفی دادیار اظهار نظر ویژه قتل دادسرای جنایی صادر شد و دو متهم به زودی در دادگاه کیفری استان محاکمه می‌شوند.

### شوخی خطرناک دانش آموز

**دختر نوجوان با کشیدن صندلی از زیر همکلاسی‌اش او را روانه بیمارستان کرد.**

به گزارش ایرنا، «معصومه ریاحی» دانش‌آموز کلاس دوم هنرستان شهید سید گاز بانهشهر هفته گذشته در کلاس درس رشته کامپیوتر هنگام نشستن روی صندلی با شوخی نابجای یکی از همکلاسی‌هایش در کشیدن صندلی مواجه و نقش زمین شد. این حادثه سبب برخورد شدید گردن دانش‌آموز ۱۷ ساله بهشهری به لبه میز کامپیوتر شد و او را روانه بیمارستان کرد. دانش‌آموز آسیب‌دیده با گذشت چند روز از حادثه هنوز سلامتی خود را باز نیافته است.

خارج از مدار

## ۶ کشته در سقوط هواپیما روی یک خانه

**یک فروند هواپیمای دو موتور ه روی خانه‌ای در فاصله یک ونیم کیلومتری فرودگاه منطقه مونته‌گومری کانتی در حومه واشنگتن سقوط کرد و شش کشته بر جای گذاشت.**

سازمان هواپیمایی فدرال امریکا اعلام کرد در این هواپیمای دو موتور تجاری بود که در روز قبل هنگام نزدیک شدن به فرودگاه مونته‌گومری در مرلند، به فراز منزلی مسکونی سقوط کرد و سه نفر از سرنشینان هواپیما و سه نفر از ساکنان خانه کشته شدند.

توماس مانگر، فرمانده پلیس مونته‌گومری گفت: مادری به همراه فرزند سه ساله و نوزاد یک ماهه خود هنگام حادثه داخل خانه بودند.

